

افشا و ارائه سند در حقوق انگلیس و ایران

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۳۰

تاریخ تأیید: ۸۹/۷/۲۷

علی محمد میرزایی*

۱۶۵

حقوق اسلامی / سال هفتم / شماره ۲۶ / پاییز ۱۳۸۹

چکیده

سند را می‌توان جزء مهم‌ترین و رایج‌ترین دلیل ادعاهای اصحاب دعوا در امور مدنی دانست؛ بر این اساس، اصحاب دعوا درصددند برای اثبات ادعای خود، سندی را تدارک ببینند که در صورت بروز اختلاف آن را به دادگاه ارائه کرده، برای اثبات ادعای خود از آن استفاده کنند. زندگی پیچیده امروزی باعث پیدایش روابط گوناگونی میان افراد جامعه شده است که در غالب آنها استفاده از سند، امری عادی است. افراد می‌کوشند به اسنادی که در روابط میان خودشان استفاده می‌کنند، در دادگاه استناد نمایند؛ آن هم زمانی که سند در دست شخص ثالث یا طرف دعوا قرار دارد و مدعی، خواهان افشا و ابراز چنین سند یا اسنادی می‌شود. نوشتار حاضر درصدد است ضوابطی را که برای ارائه و افشای سند در حقوق انگلیس و ایران حاکم است، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: سند، افشا و ارائه سند، حقوق انگلیس، حقوق ایران، امتیاز، مصونیت،

نفع عمومی.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیئت علمی مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینای افغانستان (jurist82@yahoo.com).

مقدمه

از اصول بنیادین در یک دادرسی عادلانه، دسترسی اصحاب دعوا به دلایلی است که آنها را در محق شدن و پیروزی در دعوا کمک و یاری می‌رساند. دسترسی به دلایل، در دعوا از چنان اهمیتی برخوردار است که یوکرمن آن را جزء حقوق اساسی افراد به شمار آورده است و در این باره چنین اظهار می‌دارد:

از اصول اساسی در دستگاه قضا این است که اصحاب دعوا این حق را داشته باشند تا نزد دادگاه، تمام دلایل مرتبط با موضوع دعوا را ابراز نمایند و از اشخاص ثالث نیز درخواست نمایند دلایلی را که نزد آنهاست، ابراز نمایند. این حق ناشی از اصلی مهم‌تر به نام اصل تساوی و محاکمه عادلانه است. چنین اصلی ارتباط وثیقی با حق دسترسی به دادگاه می‌یابد (Zuckerman, 1981, P.248).

از سوی دیگر، رسیدگی منصفانه، تساوی سلاح‌ها را ایجاب می‌نماید؛ بنابراین هریک از اصحاب دعوا باید امکان طرح منطقی موضوعات مورد نظر خود را در شرایطی که او را نسبت به رقیب در وضعیت نامساعدتری قرار ندهد، داشته باشد. تساوی سلاح‌ها ایجاب می‌کند که به هریک از اصحاب دعوا، امکانات مناسبی داده شود تا مسائل مورد نظر خود، از جمله ادله را - در شرایطی که آشکارا او را در موقعیت ضعیف‌تر از رقیب قرار ندهد - مطرح کند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در یکی از آرای خود در دعوی (Edwards v. UK, 1993, 15 e.h, R. 417)، این‌گونه رأی داد که از موازین محاکمه عادلانه طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق دسترسی به دلایل است.

از جمله دلایل برای اثبات دعوا، سند است که از آن به عنوان دلیل کتبی نیز یاد می‌شود.

در این نوشتار می‌کوشیم تا افشای سند را در حقوق انگلیس و نیز مقایسه آن با حقوق ایران و همچنین، موانعی که در ارائه سند وجود دارد، در هریک از دو نظام حقوقی مورد بررسی قرار دهیم.

۱. مفهوم سند در حقوق انگلیس و ایران

در این قسمت، نخست مفهوم سند را در حقوق انگلیس و سپس در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. مفهوم سند در حقوق انگلیس

تعریفی که پیش‌تر در حقوق انگلیس به وسیله یکی از قضات آن کشور به نام لرد دنینگ ارائه شده بود، سند را هر نوشته‌ای می‌دانست که قابلیت دلیل‌بودن را داشته باشد و در دادرسی مورد استفاده قرار گیرد. با چنین تعریفی درباره شمول سند به ضبط صوت، تصویر و فیلم، اختلاف نظر وجود داشت (Tapper, 1995, P. 679).

تعریف لرد دنینگ دقیقاً معادل همان تعریفی است که ماده ۱۲۸۴ ق.م. ایران ارائه می‌دهد.

۱۶۷ بعدها در انگلیس قوانینی به تصویب رسیدند که در آنها سند را تعریف کردند. قانون آیین دادرسی مدنی (civil procedure rule, 1998) که باعث تحولات شگرفی در نظام دادرسی انگلیس شد (ماده ۳۱.۴)، سند را چنین تعریف می‌کند: «سند، چیزی است که در آن اطلاعات، ضبط و ذخیره شده باشد».

تعریفی که این ماده ارائه می‌دهد، به اختلاف نظر درباره اینکه آیا فیلم و ضبط صوت، سند تلقی می‌شوند یا خیر، پایان می‌دهد و آنها را سند تلقی می‌کند؛ زیرا اینها اشیائی هستند که در آنها اطلاعات به صورت صوت و تصویر، ضبط و ذخیره می‌شود؛ ولی دادگاه باید اصالت و صحت این اشیا را احراز نماید (R v. Maqsd Ali case).

تعریفی که ماده ۳۱.۴ قانون آیین دادرسی مدنی انگلیس از سند ارائه می‌دهد، مطابق با تحولات فناوری است؛ ولی در نظام حقوق ادله ایران و فرانسه چنین اشیائی را به عنوان دلیل نمی‌پذیرند. قاعده مندرج در ماده ۳۱.۴ قانون آیین دادرسی مدنی از ماده ۱۳ قانون ادله مدنی (civil evidence Act, 1995) اقتباس شده است. این ماده نیز چنین اشعار می‌دارد:

«سند» به مفهوم شیئی است که در آن اطلاعات هرگونه شرح و توصیفی ضبط شده باشد و رونوشت سند به مفهوم شیئی است که اطلاعات ذخیره‌شده در سندی، با هر وسیله‌ای خواه مستقیم یا غیرمستقیم، تکثیر گردد.

بند ۴ ماده ۹۱ قانون ثبت زمین (The land Registration Act, 2002) نیز شکل الکترونیکی را به عنوان سند کتبی تلقی کرده است که صحت و اصالت چنین سندی را امضای الکترونیکی تأیید می‌کند.

بر این اساس، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که در حقوق انگلیس، سند شامل نامه‌های الکترونیکی، هرگونه اطلاعات ذخیره‌شده در رایانه اعم از دیسک فشرده و فلاپی دیسک، فوتوگرافها، ضبط صوت و ویدیو می‌باشد.

۲-۱. مفهوم سند در حقوق ایران

فرهنگ معین، سند را به «آنچه بدان اعتماد کنند» آورده است (معین، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۹۲۹). در اصطلاح حقوقی، سند عبارت است از «هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد» (ماده ۱۲۸۴ ق.م.). بنابراین نوشته در صورتی سند به حساب می‌آید که بتواند در دادرسی، دلیل قرار گیرد. حال اینکه «نوشته چیست؟» دکتر امامی چنین می‌نگارند:

نوشته، خط یا علامتی است که در روی صفحه نمایان باشد؛ خواه از خطوط متداول باشد یا غیرمتداول. مانند رمزها و علاماتی که دو یا چند نفر برای روابط بین خود قرار داده‌اند. صفحه‌ای که نوشته بر آن نمایان است، فرقی نمی‌کند که کاغذ یا پارچه باشد یا آنکه چوب، سنگ، آجر، فلز یا ماده دیگری. خطی که بر صفحه نمایان است، فرقی ندارد که به وسیله ماده رنگی با دست نوشته شده یا ماشین کپی و یا چاپ شده باشد؛ همچنانی که فرقی نمی‌کند که بر صفحه حک شده باشد یا آنکه به وسیله آلتی برجستگی بر صفحه ایجاد کرده باشند ... (امامی، ۱۳۵۱، ج ۶، ص ۶۵).

از ماده ۱۲۸۴ و تعریفی که دکتر امامی ارائه کرده است، این گونه برمی‌آید که قانونگذار در نوشته و سند، فیزیکی و مادی بودن آن را مد نظر داشته است و نظری به دلایل الکترونیکی نداشته است.

اما با تصویب قانون تجارت الکترونیکی، ماده ۱۲ این قانون لزوم پذیرش دلایل الکترونیکی از سوی محاکم و ادارات را نیز مورد تصریح قرار داده است. ماده ۱۲ در این باره چنین مقرر می‌دارد:

اسناد و ادله اثبات ممکن است به صورت داده‌پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره

دولتی نمی‌توان براساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی داده‌پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.

درباره ماده مذکور، نکات ذیل ضروری است:

اول، بند (الف) ماده ۲ این قانون، داده‌پیام را چنین تعریف می‌کند:

«داده‌پیام» (data message)، هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

بر این اساس، محتوای داده‌پیام می‌تواند نوشته، صدا، تصویر یا مجموعه‌ای از آنها و یا هر نماد دیگری از واقعیت باشد.

دوم، با ذکر کلمه اسناد در ماده ۱۲ مشخص می‌شود که قانونگذار نوشته‌هایی که به صورت داده‌پیام‌اند - از جمله نوشته‌های الکترونیکی - را که می‌توان در مقام دعوا یا دفاع به آن استناد کرد، به عنوان سند موضوع مواد ۱۲۸۴-۱۳۰۵ قانون مدنی مورد پذیرش قرار داده است.

سوم، عبارت «ادله اثبات دعوا» در ماده ۱۲ حکایت از این دارد که همه دلایل موضوع ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، چنانچه به صورت داده‌پیام باشند باید مورد پذیرش قرار گیرند؛ ولی آنچه درباره سند می‌توان بیان داشت اینکه اساساً نوشته‌های الکترونیکی از مصادیق آشکار دلایلی‌اند که در قالب داده‌پیام ارائه می‌شوند.

پس در اعمال این ماده در خصوص اسناد، شکی نیست؛ ولی استثنائاتی در ماده ۶ همین قانون ذکر شده است.

ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی چنین بیان می‌دارد:

هرگاه یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده‌پیام در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

(الف) اسناد مالکیت اموال غیرمنقول؛

(ب) فروش مواد دارویی به مصرف‌کنندگان نهایی؛

(ج) اعلام اخطار هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاص برای استفاده کالا صادر می‌کند یا از به کارگیری روش‌های خاص به صورت فعل یا ترک فعل، منع می‌کند.

بنابراین نوشته‌های الکترونیکی در موارد مذکور، سند محسوب نمی‌شود.

با توجه به آنچه که گفته شد، چنانچه سند موضوع دعوا و مورد استناد یکی از طرفین دعوا به صورت داده‌پیام باشد، اصالت آنها با توجه به مواد ۸ و ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی اثبات می‌شود.

ماده ۸ قانون تجارت الکترونیکی امکان نگهداری و ارائه اصل اطلاعات به صورت داده‌پیام را پیش‌بینی کرده است. طبق این ماده:

هرگاه قانون لازم بداند اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود، این امر با نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده‌پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان‌پذیر است:

الف) اطلاعات مورد نظر، قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد؛

ب) داده‌پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده یا به قالبی که دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود؛

ج) اطلاعاتی که مشخص‌کننده مبدأ، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده‌پیام می‌باشد نیز در صورت وجود، نگهداری شوند؛

د) شرایط دیگری که هر نهاد، سازمان، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه در خصوص نگهداری داده‌پیام مرتبط با حوزه مسئولیت خود مقرر نموده باشد.

درباره بند الف) ماده ۸ قانون مذکور می‌توان چنین بیان داشت که منظور از قابلیت دسترسی این است که اطلاعات مورد استناد در یک مرجع قضایی یا اداری با استفاده از فناوری‌های جدید از جمله با بهره‌گیری از انواع نرم‌افزارها قابل بازیابی و بازخوانی باشد.

در توضیح بند ب) ماده ۸ مورد بحث باید گفت از آنجا که امکان نگهداری داده‌ها به صورت فشرده وجود دارد و گاه متناسب با نیازهای کاربر و یا با هدف امکان بازیابی با نرم‌افزارهای جدید به قالب‌های دیگر عرضه می‌شوند، ممکن است هنگام تغییر قالب، برخی داده‌های مهم همانند داده‌های مرتبط با امضای الکترونیکی که به سند اولیه پیوست بوده است، در قالب جدید وجود نداشته باشد. در نتیجه برای اینکه در اصالت داده‌های مورد استناد شک نشود، باید بتوان آنها را در قالبی که بدو تولید، ارسال یا دریافت شده یا در قالبی که دربردارنده اطلاعات مرتبط با تولید، ارسال و یا دریافت داده‌پیام باشد، ارائه کرد.

بند (ج) ماده ۸ ارائه اطلاعاتی را که مشخص‌کننده مبدأ، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده‌پیام باشد، در صورت وجود، ضروری می‌داند. این اطلاعات می‌تواند در تشخیص زمان و مکان انعقاد قرارداد یا وعده‌های یک‌سویه و اطلاعات دارای ارزش حقوقی، اصحاب دعوا و مراجع قضایی را یاری رساند (دبلفون، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴).

۲. انواع ادله در حقوق انگلیس و ایران

در این مبحث، نظام حقوق ادله را در حقوق انگلیس، سپس در حقوق ایران و به طور خاص اسناد را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. انواع ادله در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، دو گونه از ادله درباره سند داریم: «ادله اصلی» (primary evidence) و «ادله ثانوی» (secondary evidence).

چگونگی پذیرش هریک از این دو گونه ادله در حقوق انگلیس بدین صورت است که در وهله اول و به عنوان اصل اولیه باید اصل سند ارائه شود و در شرایط استثنایی نیز دادگاه می‌تواند ادله ثانوی را مثبت دعوا قرار داده، براساس آن حکم صادر کند (Murphy, 1997, P. 517).

۲-۱-۱. ادله اصلی

در حقوق انگلیس، ادله ذیل از جمله ادله اصلی به شمار می‌آیند که عبارت‌اند از:

۲-۱-۱-۱. اصل سند

آشکارترین و مشخص‌ترین نوع سند به عنوان دلیل اصلی، اصل سند است. پرسشی که مطرح می‌شود اینکه آیا رونوشت اسناد نیز اصل سند به شمار می‌آیند یا خیر؟ در دعوی (Ferbes v. Samuel) در سال ۱۹۱۳، دادگاه چنین اظهارنظر کرد: اگر سند مالکیتی را طرفین در چندین نسخه تنظیم و امضا کنند، هریک از نسخ، اصل به شمار می‌آیند و در هنگام افشا باید ارائه شوند.

۲-۱-۱-۲. روی‌گرفت اسناد ثبت‌شده

هنگامی که سند اصلی اشخاص در دادگاه یا دیگر ادارات عمومی و دولتی ثبت می‌شوند، روی‌گرفتی که این ادارات یا دادگاه رسماً صادر می‌کنند، اصل تلقی می‌شود (Murphy, 1997, P. 518).

۲-۱-۱-۳. اسناد پذیرفته‌شده

اصحاب دعوا می‌توانند پذیرش محتویات اسناد از سوی طرف مقابل را به عنوان دلیل اصلی ارائه دهند. تأیید و پذیرش طرف مقابل می‌تواند رسمی یا غیررسمی و شفاهی یا کتبی باشد (Ibid).

۲-۱-۲. ادله ثانوی

در نظام حقوق ادله انگلیس، طرفی که می‌خواهد به محتویات سندی استناد کند باید اصل سند را ارائه دهد. دادگاه‌های انگلیس در موارد استثنا، دلیل ثانوی را که به آنها اشاره خواهیم کرد، به عنوان دلیل پذیرفته‌اند.

دلیل ثانوی نیز آن چیزی است که محتویات و مندرجات سند اصلی را نزد دادگاه ثابت کند. دلیل ثانوی می‌تواند شامل روی‌گرفت اصل سند، روی‌گرفت از روی‌گرفت، دلیل شفاهی محتویات و مندرجات سند اصلی و یا هر چیز دیگری باشد؛ ولی درباره بعضی اسناد، دلیل ثانوی قابل پذیرش نیست؛ از جمله: اسناد عمومی و دولتی، اسناد قضایی و وصیت‌نامه (Ibid, P. 519).

نظام ادله انگلیس در حالت‌ها و موارد ذیل، ادله ثانوی را مورد پذیرش قرار داده است:

- اگر طرف دعوا پس از ابلاغیه، در ارائه اصل سند قصور ورزد؛
- اگر شخص ثالث دعوا، از ارائه اصل سند امتناع کند؛
- اگر اصل سند مفقود شده باشد؛
- اگر ارائه اصل سند به دلایلی ممکن نباشد؛
- اگر سند، بخشی از دفتر بانک باشد.

۲-۱-۲-۱. قصور از ارائه سند پس از ابلاغیه

هنگامی که اصل سند در دست یکی از طرفین دعواست، طرف دیگر می‌تواند با ابلاغ اختاریه، ارائه اصل سند را خواستار شود و چنانچه طرف خطاب، اصل سند را ارائه

نکند، شخص می‌تواند محتویات و مندرجات سند را با دلیل ثانوی اثبات نماید. علاوه بر این، طرفی که سند را ابراز نکرده است، در مرحله دادرسی نمی‌تواند به اصل سند استناد کند (Ibid, P. 520).

۲-۱-۲-۲. امتناع شخص ثالث دعوا از ارائه سند

اگر چنانچه اصل سند در دست شخص ثالث دعوا باشد و او قانوناً این اجازه را داشته باشد که از ارائه اصل سند امتناع کند؛ مثلاً جزء اشخاصی باشد که از امتیاز (privilege) افشای سند برخوردار است (امتیازهایی که قانون یا رویه قضایی برای اشخاص در نظر گرفته است که طبق این امتیازها، اشخاص خاصی می‌توانند از ارائه اصل سند امتناع ورزند) و یا صدور دستور افشای سند، خارج از حوزه صلاحیت دادگاه باشد. در این موارد می‌توان محتویات و مندرجات سند را با دلیل ثانوی اثبات کرد.

اما در حالتی که اشخاص ثالث، بنا به دستور دادگاه از ارائه اصل سند به صورت غیرقانونی امتناع ورزند، دادگاه می‌تواند شخص ممتنع را به جبران خسارت یا مجازات سرپیچی از دستور دادگاه محکوم کند (Ibid).

۲-۱-۲-۳. فقدان اصل سند

در مواردی که اصل سند مفقود شده باشد و امکان یافتن وجود نداشته باشد، محتویات و مندرجات سند را می‌توان با دلیل ثانوی اثبات کرد (Ibid).

۲-۱-۲-۴. عدم امکان ارائه اصل سند

هنگامی که ارائه اصل سند به جهت عملی امکان‌پذیر نیست؛ مثلاً در دادگاه به کتیبه‌ای بر روی سنگ قبر یا بر روی دیواری استناد شود، در چنین مواردی می‌توان محتویات و مندرجات را با دلیل ثانوی اثبات کرد (Ibid).

۲-۱-۲-۵. دفاتر بانکداری

ماده ۹ قانون ادله دفاتر بانکداری (banker books evidence Act, 1879)، دفاتر بانکی را شامل دفاتر کل، دفاتر روزنامه، دفاتر حساب و همه دفاتری که در تجارت روزانه بانک مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌داند.

دادگاه بخش در دعوی *Banker v. Wilson*، رکوردهایی که در میکروفیلم نگهداری می‌شوند و جزء دفاتر بانک به حساب نمی‌آیند را نیز ذیل شمول ماده ۹ مزبور قرار داد. در ماده ۶ قانون بانکداری انگلیس مصوب ۱۹۷۹، ماده ۹ قانون ادله دفاتر بانکداری اصلاح شد و بیان داشت که دفاتر بانک شامل دفاتر کل، دفاتر روزنامه، دفاتر حساب و دیگر رکوردهایی است که در تجارت روزانه بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ خواه این رکوردها به شکل نوشته باشد و یا بر روی میکروفیلم، نوار مغناطیسی یا هرگونه شکل دیگری از مکانیسم بازیابی داده‌های الکترونیکی یا مکانیکی باشد. بر این اساس، قانون اجازه استفاده از دلیل ثانوی را فقط درباره اسنادی می‌دهد که در حوزه شمول اصلاحیه ماده ۹ قانون ادله دفاتر بانکی قرار می‌گیرد (Ibid).

۲-۲. انواع ادله در حقوق ایران

در حقوق ایران و به طور خاص قانون آیین دادرسی مدنی، تقسیم‌بندی ادله به اصلی و ثانوی که در حقوق انگلیس مطرح شده است، وجود ندارد؛ ولی با وجود این نمی‌توان گفت در حقوق ایران نسبت به پذیرش ادله ثانوی در اثبات دعوا، بی تفاوت بوده، بلکه در ماده ۲۰۶ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی اشاره شده است؛ ولی به آن گستردگی که در حقوق انگلیس می‌باشد، وجود ندارد؛ مثلاً در ماده ۲۰۹ این گونه می‌آید:

هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است، نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف باید آن سند ابراز شود. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند، ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قراین مثبت بداند.

تفاوت ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران با ادله ثانوی در حقوق انگلیس - جایی که طرف دعوا از ابراز سند خودداری می‌کند - این است که در ماده ۲۰۹، امتناع را می‌توان از قراین مثبت دانست؛ ولی در حقوق انگلیس، امتناع طرف، نوعی سرپیچی از دستور دادگاه است که می‌تواند شخص ممتنع را مجازات کند. همچنین، حقوق ایران، امتناع را از قراین مثبت دانسته است، نه اینکه طرف دعوا بتواند ادعای خود را با ادله ثانوی ثابت کند. چنین برداشتی را می‌توان از مواد ۲۱۰ درباره دفاتر بازرگانی، ماده ۲۱۲ و اسنادی که در ادارات دولتی، بانک‌ها، شهرداری‌ها و... است

(ماده ۲۱۳)، استنباط کرد؛ بنابراین در حقوق ایران، نظام ادله ثانوی آن گونه که در حقوق انگلیس پذیرفته شده است، وجود ندارد؛ ولی راه اثبات دعوا به گونه‌ای دیگر انجام می‌پذیرد. در حقوق انگلیس، طرف دعوا با ادله ثانوی دعوی خود را ثابت می‌کند، در حالی که دعوا در ایران، با قراین مثبتی که دادگاه از قراین و اوضاع و احوال هر دعوا برداشت می‌کند، اثبات می‌شود؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد به همان نظام ادله ثانوی در حقوق انگلیس برسیم.

۳. افشای اسناد در حقوق انگلیس

افشا و معاینه، مرحله‌ای از دعواست که در آن یکی از اصحاب دعوا اسناد مربوط به دعوا را که در حفاظت، اختیار و تصرف خود دارد، به طرف دیگر افشا می‌کند تا طرف دیگر از آن رونوشت تهیه کرده، آن را مورد معاینه و بررسی قرار دهد. شخص فقط هنگامی می‌تواند از افشای اسناد خودداری کند که یا اسناد به قضیه ربطی نداشته باشند یا از امتیاز برخوردار باشند (Osborne, 1993, P. 215).

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی انگلیس در سال ۱۹۹۸، تحولی بنیادین در نظام دادرسی انگلیس به وجود آمد؛ به گونه‌ای که نظام دادرسی انگلیس از «نظام اتهامی» به «نظام تفتیشی» روی آورد. در نظام دادرسی انگلیس، رسیدگی به دعوا در دو مرحله صورت می‌گیرد: اول، مرحله مدیریت پرونده (case management)؛ دوم، مرحله دادرسی و محاکمه.

در اینجا هریک از مراحل را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۳-۱. افشای اسناد در مرحله مدیریت پرونده

پیش از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی، یک نظام اتهامی در دادرسی حاکم بود. دادگاه‌ها به اصحاب دعوا اجازه نمی‌دادند از مکانیسم درخواست افشا و ابراز سند، به عنوان وسیله‌ای که آنها را قادر سازد تا برای طرح ادعاهای خود استفاده کنند، بهره گیرند. دادگاه‌های انگلیس، مرحله افشا و ابراز سند را پس از ختم تبادل لوایح می‌دانستند؛ هنگامی که ادعاهای طرفین به صورت تبادل لوایح مطرح شده بود، ولی با تصویب

قانون ۱۹۹۸ دادرسی به دو مرحله تقسیم شد:

۱. مرحله مدیریت پرونده؛

۲. مرحله محاکمه و دادرسی پرونده.

در مرحله مدیریت پرونده در افشا و ابراز سند، پروتکل‌ها نقش اساسی را ایفا می‌کنند.

در اینجا افشای سند را پیش از مرحله محاکمه و دادرسی، در ذیل پروتکل‌ها و قانون آیین دادرسی مدنی بررسی می‌کنیم؛ ضوابطی که در هر دو مورد، پیش از مرحله محاکمه آمده است و افشای اسناد را پیش‌بینی می‌کنند.

۱-۱-۳. پروتکل‌ها

طبق آماري که از پرونده‌ها ارائه شده است، نزدیک به هشتاد درصد از آنها به مرحله دادرسی و محاکمه نمی‌رسند و معمولاً از راه سازش، خاتمه می‌یابند. نظام دادرسی انگلیس نظامی را به وجود آورده است که طرفین بتوانند پیش از آنکه به اقامه دعوا بپردازند، دعاوی خود را با استفاده از پروتکل‌هایی که تصویب شده، حل و فصل کنند. *لرد ولف* در گزارش نهایی‌اش درباره «دسترسی به عدالت» (Wolf, 1996, P. 107)، اهداف پروتکل‌ها را چنین برمی‌شمارد:

- تمرکز بر قصد طرفین، جهت حل و فصل اختلاف بدون اقامه دعوا؛
 - قادر ساختن طرفین اختلاف به دستیابی اطلاعاتی که جهت حل و فصل اختلاف به آنها نیاز دارند [افشای اسناد و اطلاعاتی که طرفین نیاز دارند]؛
 - ارائه پیشنهاد مناسب و مقتضی برای حل اختلاف پیش از اقامه دعوا؛
 - اگر حل اختلاف بدون اقامه دعوا میسر نباشد، زمینه‌ای با پروتکل‌ها ایجاد گردد که دادرسی سریع صورت گیرد [جلوگیری از اطاله دادرسی با استفاده از پروتکل‌ها].
- همان‌گونه که در یکی از اهداف در بند ۲ آمده است، افشای اسناد یکی از کارهایی است که در پروتکل‌ها تعقیب می‌شود.

اداره امورات اساسی ("DCA" department for constitutional affairs) تاکنون

پروتکل‌های ذیل را منتشر کرده است:

- پروتکل دعاوی جراحات‌های شخصی؛
- پروتکل حل اختلافات پزشکی؛

- پروتکل دستیابی به رکوردهای پزشکی بیمارستان؛

- پروتکل حل اختلافات مهندسی و ساختمان؛

- پروتکل تقصیر شغلی؛

- پروتکل بازبینی قضایی؛

- پروتکل آسیب‌ها و جراحات شخصی (مورد اول) که توسط انجمن حقوقدانان

آسیب‌های شخصی ("APLL" association of personal injury lawyers) و انجمن

بیمه‌گران بریتانیا ("ABI" association of british insurants) تهیه شده است، موارد

آسیب‌های شخصی را دربرمی‌گیرد.

از نکات اصلی این پروتکل و پروتکل‌های دیگر اینکه طرفین اختلاف، لیستی از

اسناد را بدون دستور دادگاه تهیه کنند. شکی نیست که در این باره طرفین اختلاف،

اسنادی را طبق این پروتکل‌ها تهیه کنند؛ ولی در خصوص اسنادی که ذیل شمول این

پروتکل‌ها قرار نمی‌گیرند، تکلیف چیست؟

ماده (a) (b) (c) (2) 1.1 قانون آیین دادرسی مدنی، در دعوی که مشمول هیچ‌یک

از این پروتکل‌ها قرار نمی‌گیرند، گفته است دادگاه انتظار دارد طرفین اختلاف با در

نظرگرفتن این ماده، در تبادل اطلاعات و اسناد مرتبط با دعوا به طور متعارف عمل

کرده، در حد امکان سعی کنند از اقامه دعوا اجتناب ورزند.

۳-۱-۲. قانون آیین دادرسی مدنی

در بعضی از حالت‌ها که امکان افشای اسناد از راه پروتکل‌ها میسر نیست، می‌توان از

راه قانون آیین دادرسی مدنی با رعایت شرایطی این کار را صورت داد.

هنگامی که افشا پیش از مرحله دادرسی و محاکمه از دادگاه درخواست شود، این

قانون در ماده ۳۱.۱۶ چنین بیان می‌دارد: «افشا قبل از آنکه دادرسی آغاز گردد».

ماده مذکور زمانی اعمال می‌گردد که درخواستی به دادگاه برای افشای (اسناد) پیش

از مرحله دادرسی داده می‌شود.

درخواست باید مدلل و موجه باشد.

طبق این ماده، دادگاه زمانی دستور می‌دهد که:

الف) درخواست‌کننده احتمالاً یکی از طرفین دعوا در دادرسی بعدی باشد؛

ب) مخاطب درخواست یکی از طرفین این دادرسی‌ها باشد؛
 ج) افشا قبل از آغاز دادرسی مطلوب است.
 به منظور «فیصله عادلانه دادرسی‌های مورد انتظار»، «کمک به حل اختلاف بدون اقامه دعوا» یا «کاهش هزینه‌ها»، دستوری که طبق این ماده صادر می‌شود باید:
 الف) اسناد یا طبقه‌ای از اسناد که مخاطب باید افشا کند، مشخص شود؛
 ب) هنگام افشا از مخاطب خواسته شود تا هر یک از این اسناد ذیل را معین کند:
 - آن دسته از اسنادی که ذیل تصرف و کنترل او نیست؛
 - آن دسته از اسنادی که مخاطب، ادعای حق امتناع از معاینه آنها را دارد.
 دستور دادگاه می‌تواند: الف) از مخاطب بخواهد تا درباره اسنادی که در تصرف و کنترل او نیست، توضیح دهد؛ ب) زمان و مکانی را برای افشا و معاینه مشخص کند.
 در ماده ۱۶ و ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی، کلمه طرف (party) در عبارت «خواننده احتمالاً یکی از طرفین خواهد بود»، بدین جهت است که اولاً، ماده شامل ثالث یا شاهد نگردد؛ ثانیاً، در ماده عبارت «افشا مطلوب باشد»، حکایت از این دارد که در موردی مانند صدمات شخصی ساده می‌توان درخواست افشا قبل از دادرسی داد؛ ولی در دعوی تجارتي صرفاً حدسی، افشای مطالبه‌شده، مبهم است و به همین دلیل، مشکل بتوان دستور افشا را از دادگاه گرفت؛ ثالثاً، در ماده گفته است افشا، کمک به حل اختلاف بدون اقامه دعوا و کاهش هزینه‌ها و نیز فیصله عادلانه دادرسی‌های مورد انتشار را نماید. در غیر چنین حالتی، دادگاه دستور افشا را قبل از اقامه دعوا نمی‌دهد؛ رابعاً، در دستور دادگاه باید اسنادی که مخاطب افشا می‌کند، مشخص باشد و اسنادی که مخاطب در دسترس ندارد و نیز اسنادی که مخاطب حق امتناع از معاینه‌دادن آنها را دارد، بر عهده مخاطب است که مشخص و معین سازد.
 طبق این قانون، پیش از اینکه طرفین وارد مرحله دادرسی شوند، می‌توانند با دادن درخواست - درخواستی که موجه و مدلل باشد - از دادگاه بخواهند دستور افشای اسناد را صادر نماید.

۳-۲. افشای اسناد در مرحله دادرسی و محاکمه

۱. افشای اسناد در مرحله دادرسی در حقوق انگلیس شامل «افشای استاندارد» (standard disclosure) می‌شود که خود شامل تحقیق و بررسی درباره اسناد،

جمع‌آوری اسناد، ابلاغ لیست اسناد به طرف دعوا و مشخص کردن دقیق اسناد افشاشده می‌شود.

اسنادی که در افشای استاندارد ارائه می‌شوند:

ماده ۳۱.۶ قانون آیین دادرسی مدنی، نوع اسنادی را که در افشای استاندارد ارائه می‌شوند، چنین برمی‌شمرد:

افشای استاندارد می‌طلبد که شخص، اسنادی را افشا نماید که:

۱. در دادرسی به آنها استناد می‌نماید؛

۲. اسنادی که:

الف) بر پرونده‌اش تأثیر مخالف دارد؛

ب) بر دعوای طرف مقابل، تأثیر مخالف دارد؛

ج) موجب تقویت دعوای طرف دیگر می‌گردد.

۳. اسنادی که به موجب دستورالعمل رفتار، قرار است افشا گردند.

افشای استاندارد، تعهدی را بر دوش اصحاب دعوا می‌نهد تا همه اسناد مرتبط با دعوا را افشا نمایند و محدودیتی را در افشای اسناد قائل نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر، انگلیس نوعی نظام لیبرالی را به کار گرفته است.

درباره افشای استاندارد، دعاوی مطرح شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

افشای استاندارد از کارفرما می‌خواهد درباره دعوا و صدمات شخصی، هرگونه سندی را در خصوص حوادثی که از ماشین‌آلات موضوع دعوا وجود دارد، افشا و ارائه دهد (Rowly v. liverpool city council, 1989).

افشای استاندارد، می‌طلبد که خواهان هرگونه اسناد پزشکی‌اش را – حتی پس از تولد – به خواننده تسلیم کند تا مشاوران خواننده دریابند سوابق پزشکی خواهان تا چه اندازه در صدمات ادعاشده خواهان مثرثرمر بوده است (Dunn v. british coal corporation, 1993).

در اختلاف درباره اینکه آیا سند قرارداد به وسیله پست الکترونیکی فرستاده شده است یا خیر، دادگاه دستور داد دیسک‌های فشرده، پشتیبان‌ها و سِرورها ارائه شوند (Marlton v. tektronix UK holding ltd, 2003).

در دعوای دریافت اجرت اضافی از سوی مدیران شرکت، دادگاه دستور داد اسناد

مالی مانند حساب‌ها و بودجه‌ها افشا و ارائه شوند (Arrow Trading and investment)
(est., ltd v. edwardian group ltd, 2004).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دادگاه نیز سهم فعالی در افشا و ارائه اسناد برعهده می‌گیرد و نقشی منفعل را در دعوا ایفا نمی‌کند.

۲. در افشای اسناد، ضرورت دارد تا به سه مقوله «کنترل اسناد»، «وظیفه تحقیق و بررسی اسناد» و «لیست اسناد» و همچنین، ضمانت اجرای عدم افشای اسناد نیز بحث شود.

۳-۲-۱. کنترل اسناد

مواد قانون آیین دادرسی مدنی، افشای اسنادی را شامل می‌شود که ذیل کنترل، نگهداری و اختیار یکی از اصحاب دعواست و یا بوده است (ماده ۳۱۸).

کنترل نیز چنین تعریف شده است که یا در کنترل فیزیکی شخص باشد یا یکی از طرفین حق تصرف، حق بازرسی و گرفتن رونوشت از اسناد را داشته باشد (ماده ۳۱۸(۲)؛ به عنوان مثال، امین یا نماینده، تصرف و کنترل فیزیکی بر اسنادی را که به آنها سپرده شده است، دارند. کارفرما یا اصیل، حق تصرف اسنادی را که در دست مستخدم در مدت زمان استخدام است، دارد. شرکت نیز می‌تواند تحت کنترل اکثریت سهامداران که کنترل کاملی بر امور شرکت دارند، باشد و این امکان نیز وجود دارد که اسناد شرکت تا بعد در کنترل شرکت مادر باشد (Sime, 2005, P. 287).

۳-۲-۲. وظیفه تحقیق و بررسی اسناد

افشاکننده باید اقدامات معقول و متعارفی را در تحقیق و بررسی اسناد به عمل آورد (ماده ۳۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی).

چهار معیار برای بررسی و تحقیق معقول و متعارف ذکر شده است که عبارت‌اند از:

الف) تعداد اسناد مورد نظر؛

ب) ماهیت و پیچیدگی دادرسی؛

ج) سهولت و هزینه بازیابی اسناد؛

د) ارزش هر سند (Sime, 2005, P. 288).

۳-۲-۳. لیست اسناد

هنگامی که افشاکننده، موضوع بررسی و تحقیق اسناد را صورت داد، فرمی به نام «لیست اسناد» (list of documents) را تکمیل می‌کند. بخشی از لیست، اظهارات مربوط به افشاست. در این بخش، افشاکننده اقداماتی را که انجام داده است، بیان می‌کند. اینکه حوزه بررسی او در مورد اسناد شامل چه حوزه‌هایی است نیز بخش دیگری از لیست است. در بخشی دیگر او گواهی می‌کند که وظیفه‌اش را درباره بررسی و تحقیق اسناد می‌داند و بر مبنای این وظیفه، بررسی‌های اظهارشده را صورت داده است. در پایان نیز فرم را امضا می‌کند.

۳-۲-۴. ضمانت اجرای عدم افشای اسناد

ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی، از شخصی که باید وظیفه افشا را انجام دهد، خواسته است اسناد را از میان نبرد و کتمان نکند. اگر چنین وظیفه‌ای را انجام ندهد، به جهت عدم اجرای دستور دادگاه، شخص ممکن است با مجازات دادگاه مواجه شود. در حقوق انگلیس، شخص سرپیچی کننده از دستور دادگاه طبق قانون «تمرد نسبت به حکم دادگاه» (contempt act) مجازات می‌شود.

در امریکا بانکی ۸۵۰ میلیون دلار جریمه می‌شود؛ چون بانک قادر نبود اسناد الکترونیکی را افشا و ارائه دهد (coleman (Parent) holdings v. morgan stanley, 2005). در حقوق فرانسه در چنین مواردی دادگاه یک وجه الزام تعیین می‌کند که شخص نتواند از دستور دادگاه تمرد کند (شمس، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

۳-۳. افشای اسناد از سوی ثالث و شاهد

در قانون آیین دادرسی مدنی، دو ماده به افشای اسناد به وسیله ثالث و شاهد اختصاص داده شده است. در ماده ۳۱۰۷ که به افشای اسناد توسط ثالث اختصاص دارد، چنین می‌خوانیم:

۱. این ماده زمانی اعمال می‌گردد که تحت هر قانونی درخواستی به دادگاه ارائه شود مبنی بر افشای اسناد توسط شخصی که یکی از طرفین دعوا در دادرسی نیست.

۲. این درخواست باید مدلل باشد.

۳. بر مبنای این درخواست، دادگاه فقط در جایی می‌تواند به صدور دستور (افشا) اقدام کند که:

الف) اسنادی که افشای آنها مطالبه شده است، احتمالاً دعوی متقاضی را مورد حمایت قرار خواهد داد یا اینکه به گونه‌ای معکوس بر دعوی طرف دیگر دادرسی تأثیر می‌گذارد؛

ب) افشا برای فیصله عادلانه دعوا یا کاهش هزینه‌ها ضروری باشد.

۴. دستور طبق این ماده باید:

الف) اسناد یا طبقه‌ای از اسناد را که مخاطب باید افشا کند، مشخص سازد؛

ب) از مخاطب خواسته شود در زمان افشا، مشخص نماید اسنادی را که:

- در کنترل و تصرف او نیست؛

- اسنادی که ادعای حق امتناع از معاینه‌دادن آنها را دارد.

۵. چنین دستوری می‌تواند:

الف) از مخاطب بخواهد اتفاقی را که برای اسناد افتاده است و در کنترل و تصرف او

نیست، توضیح دهد؛

ب) زمان و مکانی را برای افشا و معاینه مشخص کند.

آنچه از ماده ۱۷ و ۳۱ مستفاد می‌شود اینک:

اولاً، درخواست افشا باید مدلل باشد. دادگاه به مفهوم فنی و دقیق کلمه نمی‌نگرد، بلکه این اندازه کافی است که سندی که افشای آن درخواست شده است، احتمالاً دعوی متقاضی را حمایت می‌کند. بار اثبات را نیز بر عهده متقاضی می‌نهد که ثابت کند سند احتمالاً پرونده‌اش را تقویت می‌کند یا اینکه به گونه‌ای معکوس بر دعوی طرف مقابل او تأثیر می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، خواسته شده است تا افشای ثالث به شرایطی محدود شود که دلیل مثبتی بر تقویت دعوی متقاضی وجود داشته باشد (Hollander, 2003, P. 4-39).

ثانیاً، افشا برای فیصله عادلانه دعوا یا کاهش هزینه‌ها ضروری باشد. در جایی که افشای اسناد امر مشقت‌باری باشد یا دستور افشا باعث تأخیر یا توقیف دادرسی شود و

یا اینکه دستور افشا، ناقض حق محرمانه ثالثی دیگر باشد و مواردی از این گونه، دادگاه دستور افشا را صادر نخواهد کرد (Ibid, P. 4-47).

ثالثاً، در دستور افشا، دادگاه باید قید کند که ثالث چه اسنادی را افشا سازد. از مقایسه ماده ۳۱.۱۷ و ۱۶.۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی چنین برداشت می‌شود که شرایطی که قانونگذار برای افشای اسناد پیش از دادرسی در ماده ۳۱.۱۶ آورده است، دقیقاً همان شرایط را در ماده ۳۱.۱۷ افشای اسناد در مرحله دادرسی نیز تکرار کرده است. ماده ۳۴.۲ قانون آیین دادرسی مدنی، افشای اسناد به وسیله شاهد را آورده است. مقدمه‌ای لازم است که در حقوق انگلیس، دو گونه احضاریه برای شاهد دادگاه صادر می‌نماید:

۱. subpoena ad testificandum: چنین احضاریه‌ای از شاهد عینی می‌خواهد در دادگاه حضور یابد و شهادت دهد.

۲. subpoena duces tecum: احضاریه شاهد برای ارائه مدارک به دادگاه است. در این احضاریه از شاهد می‌خواهد در دادگاه حاضر شده، اسناد یا اشیائی را ارائه کند و اصالت آنها را تأیید نماید (Osborne, 1993, P. 247). در ماده ۳۴.۲، چنین احضاریه‌ای را پیش‌بینی می‌کند و بیان می‌دارد احضاریه شاهد، سندی است که دادگاه صادر کرده، در آن از شاهد می‌خواهد تا در دادگاه حضور یابد و دلیل یا سندی را ارائه دهد.

۴. مقررات خاص درباره افشای اسناد از سوی اشخاص خاص

در حقوق انگلیس، بعضی اشخاص حقیقی و حقوقی در افشای اسناد، شامل مقررات خاص می‌شوند که به آنها اشاره می‌کنیم:

۴-۱. پادشاه

تا سال ۱۹۴۷، پادشاه ملزم نبود به افشای اسناد به دیگر اطراف دعوا بپردازد. ماده ۲۸ قانون دادرسی شاه مصوب ۱۹۴۷، در حال حاضر طبق ماده ۱۲ و ۷۷ از قانون دادگاه عالی، افشای اتوماتیک علیه شاه وجود ندارد؛ ولی می‌توان دستور افشا علیه شاه را از دادگاه گرفت. این مسئله نتیجه نظریه تساوی اشخاص در برابر قانون است.

۴-۲. دولت‌های خارجی

دولت‌های خارجی که در دعوا خواهان‌اند، ملزم‌اند تا به افشای اسناد مبادرت ورزند؛ ولی دولت‌های خارجی که خواننده دعوا هستند، طبق قانون مصونیت دولت‌ها مصوب ۱۹۷۸، الزامی به افشای اسناد ندارند.

اگر چنین مصونیتی وجود نداشته باشد، دولت خارجی خواننده دعوا ملزم است تعهد افشا را انجام دهد، اگرچه در صورت عدم انجام چنین تعهدی، هیچ‌گونه جریمه یا مجازاتی متوجه او نیست (ماده (۱) ۱۳ قانون مصونیت دولت‌ها).

دولت خارجی که خواننده دعواست، طبق قانون امتیازهای دیپلماتیک مصوب ۱۹۶۴ نیز می‌تواند از افشا خودداری کند.

۴-۳. صغیر یا بیمار

صغار یا اشخاصی که دچار ناتوانی ذهنی - روانی به مفهوم قانون سلامت روانی مصوب ۱۹۸۳ هستند و به اداره اموال یا امور دیگر خود قادر نیستند، فقط باید به وسیله قیّم (litigation friend) اقامه دعوا کنند. ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: قیّم باید در دادرسی به نفع صغیر یا بیمار عمل نموده، در مواردی که مقتضی است از طرف آنها مبادرت به افشا نماید.

۴-۴. شرکت‌ها

در دعوی سهامدار علیه مدیران و شرکت، شرکت باید افشا را انجام دهد. در صورتی که شرکت طرف دعوا نباشد، مدیران نمی‌توانند اسناد شرکت را افشا سازند. هنگامی که شرکت به صورت اختیاری یا اجباری منحل می‌شود، عمل افشا به وسیله مدیریت تصفیه صورت می‌گیرد (Osborne, 1993, P. 247).

۴-۵. بیمه‌گر

بیمه‌گری که قائم‌مقام بیمه‌گذار بوده، به نام بیمه‌گذار در دادرسی شرکت می‌کند، الزامی به افشا ندارد؛ گرچه بیمه‌گذار باید افشا را انجام دهد. مراسلات بیمه‌گر و بیمه‌گذار مشمول امتیاز نفع عمومی است (Ibid).

۴-۶. انتصاب‌شوندگان (nominees)

زمانی دعوا را خواهان اسمی (منصوب) طرح می‌کند که هیچ‌گونه نفعی در دعوا ندارد و فقط به عنوان نماینده برای اشخاصی است که نفع واقعی در دعوا دارند. دادگاه نمی‌تواند علیه کسانی که نفع واقعی در دعوا دارند، مبادرت به دستور افشا نماید؛ زیرا آنها از زمره اصحاب دعوا تلقی نمی‌شوند؛ ولی دادگاه این اختیار را دارد که دادرسی را متوقف سازد تا زمانی که خواهان واقعی به افشا مبادرت نماید (Abu Dhabi National Tankey Co. v. Product star shipping, 1992).

۵. موانع و محدودیت‌های افشای اسناد در حقوق انگلیس و ایران

۱۸۵

هر نظام حقوقی، موانع و محدودیت‌های خاصی را برای افشای اسناد پیش‌بینی می‌کند. این‌گونه نیست که اصحاب دعوا بتوانند آزادانه و بدون هیچ محدودیتی افشای هرگونه سندی را از دادگاه خواستار شوند.

حقوق انگلیس دو گونه محدودیت را در افشای اسناد پیش‌بینی کرده است:

۱. امتیازها؛ ۲. مصونیت نفع عمومی.

البته این را نیز باید متذکر گردید که مصونیت نفع عمومی را حقوق فرانسه در

افشای اسناد به رسمیت نمی‌شناسد (Bell, 1998, P. 96).

۵-۱. امتیازها در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، پنج دسته از مهم‌ترین امتیازها عبارت‌اند از:

۱-۱-۵. امتیاز شهادت علیه خود (self-incrimination)

امتیاز شهادت علیه خود، از جمله امتیازها در حقوق انگلیس است که جنبه کامن‌لایی دارد. طبق این امتیاز، هیچ‌کس ملزم نیست علیه خود شهادت دهد. مبنای این امتیاز، حمایت از آزادی اشخاص و شرافت انسانی است که خود جنبه حقوق بشری دارد (Tapper, 1990, P. 450).

ماده ۱۴ قانون ادله مدنی مصوب ۱۹۶۸ نیز در این باره می‌گوید:

شخص در هرگونه دادرسی حقوقی و نه کیفری، از این حق برخوردار است تا به جواب‌دادن هرگونه پرسشی امتناع ورزد و یا از ابراز و ارائه سند یا شیء خودداری کند؛ اگر انجام چنین اعمالی او را در معرض دادرسی برای جرم یا مجازات قرار دهد.

۲-۱-۵. امتیاز حرفه حقوقی (legal professional privilege)

مراسلات و ارتباطاتی که میان وکیل و موکل ردّ و بدل می‌شود، مصون از افشا هستند (Ibid, P. 466).

بند ۱ ماده ۱۰ قانون ادله کیفری و پلیس مصوب ۱۹۸۴ در این باره مقرر می‌دارد:

مشروط به بخش فرعی ۲ ماده ۱۰ این قانون، موارد موضوع امتیاز حرفه حقوقی به معنای زیر هستند:

۱. مراسلات و مکاتباتی که بین مشاور حقوقی و موکل اش یا هر شخص دیگری که موکل را نمایندگی می‌کند، در ارتباط با دادن مشاوره حقوقی داده می‌شود.
۲. مراسلات و مکاتباتی که بین مشاور حقوقی و موکل اش یا هر شخص دیگری که موکل را نمایندگی می‌کند، در دعوائی که طرح شده، ردّ و بدل می‌گردد.
۳. مواردی که به چنین مکاتباتی در ارتباط با دادن مشاوره حقوقی، پیوست و یا ارجاع شده است.

مشاور حقوقی که در این ماده ذکر شده است، شامل solicitor و barrister می‌باشد.

۳-۱-۵. اظهاراتی که در تلاش برای حل اختلافی که امکان طرح مجدد دارد و بیان می‌شوند (statements made without prejudice)

چنین اظهاراتی را نمی‌توان بدون رضایت اظهارکننده، دلیل قرار داد (Ibid, P.466).

۴-۱-۵. مذاکرات میان زوجین با امکان طرح مجدد دعوی

مذاکراتی که میان زوجین نزد یک مشاور حقوقی صورت می‌گیرد، مشمول این امتیاز است.

۵-۱-۵. امتیاز خودداری از افشای منبع خبر

این امتیاز یکی از امتیازهایی است که درباره روزنامه‌نگاران وجود دارد. طبق ماده ۱۰ قانون اهانت به دادگاه، روزنامه‌نگاران می‌توانند از افشای منابع اطلاعاتشان خودداری کنند.

۵-۲. مصونیت نفع عمومی در حقوق انگلیس

طبقه‌ای از اسناد که مشمول مصونیت نفع عمومی اند، به قرار ذیل می‌باشند:

۵-۲-۱. امنیت ملی

حوزه امنیت ملی از حوزه‌هایی است که اسناد آن، مشمول مصونیت نفع عمومی اند. البته گواهی وزیر به دادگاه درباره اینکه سندی مشمول حوزه امنیت ملی قرار می‌گیرد یا خیر، قاطع است.

۵-۲-۲. روابط دیپلماتیک و نزاکت بین‌المللی

این مصونیت بیشتر به حوزه امنیت ملی برمی‌گردد؛ زیرا حمایت از روابط انگلیس با دیگر کشورها یک مسئله امنیت ملی است.

۵-۲-۳. روش کار دولت مرکزی

اوراق کابینه، نامه‌های اداره خارجی، خلاصه مذاکرات میان اداره و وزارتت در سطح بالا، مراسلات متعلق به اداره کل خدمات هوایی، دریایی و نظامی در این گروه قرار می‌گیرند.

۵-۲-۴. کارکرد مناسب خدمت عمومی

اسناد مربوط به کارکرد مناسب مؤسسات مالی و مانند آن در حوزه مصونیت نفع عمومی اند.

۵-۲-۵. روابط خصوصی و محرمانه

اسناد حوزه روابط خصوصی و محرمانه از مصونیت نفع عمومی برخوردارند.

۵-۲-۶. حمایت از منابع خبر

اهمیت منبع خبر برای سازمان‌های قانونی و یا شبه‌قانونی در قضیه *D v. NSPCC* به رسمیت شناخته شد. در این قضیه، شخصی به سازمان حمایت از کودکان اطلاع می‌دهد که مادری پسرش را مورد ضرب و شتم قرار داده است. دادگاه رأی داد که هویت منبع خبر می‌تواند فاش نشود. قاضی هایلشم (*hailsham*) بیان داشت که حوزه نفع عمومی

براساس شرایط اجتماعی متغیر است؛ زمانی بر دامنه نفع عمومی افزوده می‌شود و زمانی دامنه آن محدود می‌شود. بازرسانی که امتیازهای قانونی و یا شبه‌قانونی برای کسب اطلاعات دارند، می‌توانند منبع اطلاعاتی را که کسب می‌کنند، افشا نکرده، اسناد آن را برای خود محفوظ دارند.

۶. امتیازها و مصونیت‌های افشای اسناد در حقوق ایران

در حقوق ایران در قانون آیین دادرسی مدنی، نمونه‌هایی از امتیازها و مصونیت نفع عمومی را می‌توان یافت؛ به گونه‌ای که در ماده ۲۱۱ در این باره مقرر می‌دارد:

اگر ابراز سند در دادگاه مقدور نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا اظهار علنی آن در دادگاه بر خلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوا یا دیگران باشد، رئیس دادگاه یا دادرسی یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین، آنچه را که لازم و راجع به مورد اختلاف است، خارج‌نویس می‌نماید.

در ادامه، ماده ۲۱۲ می‌افزاید:

هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعواست، در ادارات دولتی یا بانک‌ها یا شهرداری‌ها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند، موجود باشد و دادگاه آن را مؤثر در موضوع تشخیص دهد، به درخواست یکی از اصحاب دعوا، به طور کتبی به اداره یا سازمان مربوط ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد مقرر می‌دارد. اداره و سازمان مربوط مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد، مگر اینکه ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت باید مراتب با توضیح لازم به دادگاه اعلام شود. چنانچه دادگاه موافقت نمود، جواز عدم ابراز سند محرز خواهد شد، در غیر این صورت باید به نحو مقتضی سند به دادگاه ارائه شود. در صورت امتناع کسی که مسئولیت عدم ارائه سند متوجه اوست، پس از رسیدگی در همین دادگاه و احراز تخلف به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

در اینکه افشای کدام اسناد در مغایرت با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی است، به قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی مصوب ۱۳۵۳ و آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سرّی و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه

مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱ می توان اشاره کرد.
طبق ماده ۱ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی، اسناد دولتی عبارت‌اند از:

هر نوع نوشته یا اطلاعات ثبت یا ضبط شده مربوط به وظایف و فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی از قبیل مراسلات، دفاتر، پرونده، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها و نوارهای ضبط صوت که در مراجع مذکور تهیه و یا به آن رسیده باشد.
اسناد دولتی سرّی اسنادی‌اند که افشای آنها با مصالح دولت و یا مملکت مغایر باشد.
اسناد دولتی محرمانه، اسنادی‌اند که افشای آنها با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این ماده مغایر باشد.

در ادامه، ماده ۲ این قانون می‌افزاید:

هریک از کارکنان سازمان‌های مذکور در ماده ۱ که حسب وظیفه، مأمور حفظ اسناد سرّی و محرمانه دولتی بوده یا حسب وظیفه، اسناد مزبور در اختیار او بوده و آنها را انتشار داده یا افشا نماید یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهد یا به هر نحو، دیگران را از مفاد آنها مطلع سازد، در مورد اسناد سرّی به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا ده سال و در مورد اسناد محرمانه، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. همین مجازات حسب مورد مقرر است درباره کسانی که این اسناد را با علم و اطلاع از سرّی یا محرمانه بودن آن، چاپ یا منتشر نموده و یا موجبات چاپ یا انتشار آن را فراهم نمایند.
همچنین، در قانون وکالت در ماده ۳۰ آمده است: وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیت و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

از این ماده چنین برداشت می‌شود که اسنادی که میان وکیل و موکل مبادله می‌شود، از افشا مصون‌اند.

در ماده ۴ آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته نیز آمده است: شاغلین حرفه‌های پزشکی و وابسته، حق افشای اسرار و نوع بیماری بیمار، مگر به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی را ندارند.

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد:

اطبًا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود، محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا نمایند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

ماده ۲۷ آیین‌نامه مترجمان رسمی، این‌گونه بیان می‌دارد:

مترجم، مکلف است اسراری که در اثر امر ترجمه به آنها واقف می‌شود، حفظ کند و در صورت افشای اسرار مراجعین، به مجازات مندرج در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ محکوم خواهد شد.

همچنین، ماده مربوط به کارشناسان رسمی مقرر می‌دارد: کارشناس مکلف است اسراری را که در اثر انجام شغل خود مطلع شده است، حفظ نماید. در صورت تخلف، علاوه بر مجازات انتظامی، به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. قوانین دیگری که عدم ابراز و افشای اسناد در آنها پیش‌بینی شده است را می‌توان بدین شرح برشمرد:

ماده ۲۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، چنین بیان می‌دارد:

ادارات امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می‌آورند، محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی‌ربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا، طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد.

ماده ۷ قانون مرکز آمار ایران، این‌گونه آورده است:

هر شخص ساکن ایران، همچنین اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور مکلف‌اند به پرسش‌های مربوط به کلیه سرشماری‌ها و آمارگیری‌ها که توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود، پاسخ صحیح دهند. آمار و اطلاعاتی که ضمن آمارگیری‌های مختلف از افراد و مؤسسات جمع‌آوری می‌شود، محرمانه خواهد بود و جز در تهیه آمارهای کلی و عمومی نباید مورد استفاده قرار گیرد. استفاده و مطالبه و استناد به اطلاعات جمع‌آوری‌شده از افراد و مؤسسات، به هیچ‌وجه در مراجع قضایی و اداری و مالیاتی و نظایر آن، مجاز نخواهد بود.

بر این اساس، در حقوق ایران نیز مصونیت‌هایی مانند امنیت ملی، کارکرد

مناسب خدمات عمومی و طرز کار دولت مرکزی را می‌توان در قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و نیز آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی مورد لحاظ قرار داد.

اما در خصوص مصونیت روابط دیپلماتیک می‌توان به کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی سال ۱۹۶۳ اشاره کرد که مجلس شورای ملی در سال ۱۳۵۳ آن را به تصویب رسانده است. ماده ۳۳ کنوانسیون، چنین بیان می‌دارد: بایگانی و اسناد کنسولی در هر زمان و در هر مکان، از تعرض مصون خواهد بود. در نتیجه، در حقوق ایران نیز افشای اسناد، مطلق نیست و یک سری قیود دارد.

نتیجه

از موازین دادرسی عادلانه، دسترسی به اسناد از سوی اصحاب دعوا یا ثالث است که به قضیه مطروحه مربوط بوده است و می‌تواند یکی از طرفین دعوا را در پیروزی در دعوا یاری رساند یا اینکه افشای سندی می‌تواند علیه طرف دیگر دعوا تأثیر معکوس گذارد.

در این نوع از افشای اسناد، هدف قانونگذار این است که تا جایی که ممکن است با افشای اسناد، قضیه مطروحه نزد دادگاه روشن گردد و دادگاه به این امر بسنده نکند که فقط اسنادی افشا شود که اصحاب دعوا در تقویت ادعاهای خود خواستار افشای آنها می‌شوند.

افشای اسناد در حقوق انگلیس مطلق نیست، بلکه به دو گونه از محدودیت، مقید است که عبارت‌اند از:

الف) امتیاز؛

ب) مصونیت نفع عمومی.

مواردی که شامل مورد (الف) می‌گردند، عبارت‌اند از:

۱. امتیاز شهادت علیه خود؛

۲. امتیاز حرفه حقوقی؛

۳. اظهاراتی که در تلاش برای حل اختلاف صورت می‌گیرد؛

۴. مذاکرات میان زوجین با امکان طرح مجدد.

مواردی که شامل مورد (ب) می‌گردند، عبارت‌اند از:

۱. اسناد مربوط به امنیت ملی؛

۲. اسناد روابط دیپلماتیک و نزاکت بین‌المللی؛

۳. اسناد دولت مرکزی؛ شامل: اسناد کابینه، نامه به اداره‌های خارجی، خلاصه مذاکرات

بین سازمانی در سطح بالا، مراسلات متعلق به خدمات هوایی، دریایی و نظامی که

به اداره کلی این خدمات مربوط می‌شود؛

۴. اسناد روابط محرمانه و خصوصی؛

۵. اسناد مربوط به حمایت از منبع خبر.

در حقوق ایران، به مسئله محدودیت در ارائه و افشای اسناد در مواد ۲۱۱ و ۲۱۲

قانون آیین دادرسی مدنی توجه شده است و در مواردی که ابراز و افشای اسناد، با

مصالح سیاسی کشور و نظم عمومی مخالف باشد، با موافقت دادگاه جواز عدم ابراز

سند محرز خواهد شد.

همچنین، در قانون وکالت و قانون مجازات اسلامی نیز به مواردی از استثنائات برای

افشای سند، مورد اشاره قرار گرفته است

در نظام حقوقی انگلیس، پیش از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مصوب

۱۹۹۸، در مرحله پیش از دادرسی، افشای سند فقط در قضایای مرگ یا صدمات

شخصی طبق قواعد دادگاه عالی مجاز بود؛ ولی با تصویب قانون آیین دادرسی

مدنی در سال ۱۹۹۸، تحولی عظیم در نظام دادرسی انگلیس به وجود آمد؛

به گونه‌ای که این قانون، افشای سند را پیش از دادرسی و پس از آن به همه

دعای تسری داد.

در نظام حقوقی انگلیس، دستیابی به اسناد در مرحله پیش از اقامه دعوا، براساس

پروتکل‌هایی است که مجامع مربوطه آنها را تهیه کرده‌اند. نقشی که این پروتکل‌ها ایفا

می‌کنند، بسیار دارای اهمیت است. این پروتکل‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در حد

امکان، از اقامه دعوا در دادگاه اجتناب به عمل می‌آورند و افزون بر این، در همه دعای

که مشمول این پروتکل‌ها می‌شوند، افشای اسناد مربوط به دعوا پیش‌بینی شده است.

تعریفی که قانون دادرسی مدنی انگلیس از سند ارائه کرده است، تعریف موسعی است؛ در این قانون «سند» این گونه تعریف شده است: «هر شیء که در آن اطلاعات ضبط شده باشد». این تعریف شامل فیلم، نوار، ضبط، دیسک‌های سخت، سرورها و پشتیبان‌های نامه‌های الکترونیکی می‌شود.



منابع

الف) کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. امامی، سیدحسن؛ حقوق مدنی؛ ج ۶، چ ۱۹، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۱.
۲. دبلفون، زویه لینان؛ حقوق تجارت الکترونیک (همراه با تحلیل قانون تجارت الکترونیکی ایران)؛ ترجمه ستار زرکلام؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۸.
۳. شمس، عبدالله؛ تقریرات دوره دکترای حقوق خصوصی (جزوه آیین دادرسی مدنی تطبیقی)؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم ۸۸-۸۷.
۴. —؛ (الف)؛ آیین دادرسی مدنی؛ ج ۲، چ ۱۵، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
۵. —؛ (ب)؛ آیین دادرسی مدنی؛ ج ۳، چ ۸، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
۶. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
7. Bell John, et al; **Principles of French Law**, Oxford University press, 1998.
8. **Civil Evidence Act**; 1968.
9. **Civil Procedure Rules**; 1998.
10. Dennis I, **The Law of Evidence**; sweet & Maxwell, 1999.
11. Hollander, Charles, **Documentary Evidence**; 8ed, sweet & Maxwell, 2003.
12. Murphy Peter, **Murphy on evidence**; 6 ed, London, Black Stone press limited, 1997.
13. **Police and Criminal Evidence Act**, 1984.
14. Reid, Karen; **A practitioner's guide to the European convention on human rights**; sweet & Maxwell, 2003.

15. Sime Stuart; **A practical approach to civil procedure**; Oxford University press 8ed, 2005.
16. Tapper, Colin; **Cross on Evidence**; London, Butterworth, 1990.
17. Wolf Lord, **Access to Justice**; Final Report, 1996.

ب) قوانین و آیین‌نامه‌ها

۱. آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته، مصوب ۱۳۷۲.
۲. آیین‌نامه طرز نگاهداری اسناد سرّی و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات، مصوب ۱۳۵۴.
۳. آیین‌نامه مترجمان رسمی، مصوب ۱۳۷۲.
۴. قانون تجارت الکترونیکی ایران، مصوب ۱۳۸۲.
۵. قانون راجع به کارشناسان رسمی، مصوب ۱۳۱۷.
۶. قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۶۶.
۷. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰.
۸. قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی، مصوب ۱۳۵۳.
۹. قانون مرکز آمار ایران، مصوب ۱۳۵۳.
۱۰. قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۵.